



Research Article

**Examining the Military Objective Criterion in International Humanitarian Law: Emphasis on Israel's Attack on the Islamic Republic of Iran Broadcasting during the 12-Day War**

Hiva Mohammadpour<sup>1\*</sup>, Salah al-Din Hersani<sup>2</sup>

1. MA. Student in International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

2. Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran

Article history:

Received: 04-12-2025

Accepted: 28-01-2026

**Abstract**

**Introduction**

Technological transformations, the rise of information operations, and the growing strategic role of media infrastructures in contemporary armed conflicts have blurred the traditional boundaries of the battlefield. Within this evolving landscape, a fundamental legal question arises: under what conditions may a state media outlet qualify as a "military objective" under international humanitarian law (IHL)? This article examines this question through the reported Israeli strike against the Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB) during the June 2025 twelve-day conflict. The study revisits Article 52(2) of the 1977 Additional Protocol I and its interaction with the principles of distinction, proportionality, and precautions in attack. Its primary objective is to advance a restrictive, evidence-based interpretation of the notion of "military objective" consistent with the protective rationale of IHL and to assess whether the strike meets these legal thresholds.

*Please cite this article as:*

Mohammadpour, H., Hersani, S (2026). Examining the Military Objective Criterion in International Humanitarian Law: Emphasis on Israel's Attack on the Islamic Republic of Iran Broadcasting during the 12-Day War. *Journal of Legal Studies*, 17(4), 107-142.  
doi: <https://10.22099/JLS.2026.55408.5449>

\* Corresponding author:

E-mail address: [Baraninews2013@gmail.com](mailto:Baraninews2013@gmail.com)

**Methods**

The research adopts a doctrinal and comparative legal methodology. It first analyzes the normative framework governing the definition of military objectives under Additional Protocol I and authoritative interpretations by the International Committee of the Red Cross (ICRC). It then reviews relevant state practice and precedents, notably the 1999 NATO bombing of Radio Television of Serbia (RTS), as well as reported attacks against media facilities in Iraq (2003) and Palestine. Building on this analysis, the article develops a three-pronged operational framework derived from Article 52(2): (a) effective contribution to military action, (b) the existence of a definite and concrete military advantage at the time of attack, and (c) a direct temporal and causal nexus between the destruction of the object and the anticipated military advantage. This framework is applied to publicly available evidence concerning IRIB, with the rule of doubt favoring civilian status where reasonable uncertainty persists.

**Findings**

The findings demonstrate that state ownership or propagandistic activity alone does not suffice to remove civilian protection. Article 52(2) requires the cumulative fulfillment of effective contribution and definite military advantage, supported by objective and verifiable evidence contemporaneous with the attack. Publicly available information regarding IRIB primarily reflects media and political activities rather than direct operational involvement in hostilities. No independently verifiable evidence has been disclosed indicating integration with command-and-control systems or transmission of tactical military data. Moreover, a concrete and immediate causal link between the destruction of the broadcasting facility and a definite military advantage has not been established. Even assuming *arguendo*, a military use, available information does not conclusively demonstrate full compliance with the obligations of precautions and proportionality. Reported civilian harm and the disruption of public information services raise serious concerns regarding the proportionality assessment.

**Conclusion**

The article concludes that labeling state media as a "military objective" demands a narrow and evidence-driven interpretation. In the IRIB case, based on currently available public information, the criteria of Article 52(2) do not appear to be fully satisfied, and the rule of doubt should operate in favor of civilian protection. The study recommends the development of clearer international operational guidelines and independent fact-finding mechanisms to assess alleged military use of media infrastructure, thereby preventing the

erosion of civilian protection in information-driven conflicts and safeguarding the core protective purpose of international humanitarian law.

**Keywords:** State Media, Military Objective, Principle of Distinction, Article 52(2), Proportionality, Precaution.



## مقاله پژوهشی

## بررسی معیار هدف نظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تأکید بر حمله اسرائیل به صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۱۲ روزه هیوا محمدپور<sup>۱\*</sup>، صلاح‌الدین هرسنی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
۲. استادیار دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مازندران، ایران

اطلاعات مقاله  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸

## چکیده

**مقدمه:** تحولات فناورانه، گسترش عملیات اطلاعاتی و نقش فزاینده رسانه‌ها در جنگ‌های معاصر، مرزهای سنتی میدان نبرد را دگرگون کرده و زیرساخت‌های رسانه‌ای را در معرض ادعاهای نوین درباره «نظامی بودن» قرار داده است. در این چارچوب، پرسش بنیادین آن است که آیا و تحت چه شرایطی یک رسانه دولتی می‌تواند به‌عنوان «هدف نظامی» تلقی شود. مقاله حاضر با تمرکز بر حمله گزارش شده اسرائیل به سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران (IRIB) در جریان جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵، به بازخوانی معیارهای ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ و نسبت آن با اصول تفکیک، تناسب و احتیاط می‌پردازد. هدف اصلی پژوهش، ارائه تفسیری مضیق، شواهد محور و منطبق با فلسفه حمایتی حقوق بین‌الملل بشردوستانه از مفهوم «هدف نظامی» و ارزیابی انطباق حمله مزبور با این معیارهاست.

استناد به این مقاله:

محمدپور، هیوا و هرسنی، صلاح‌الدین (۱۴۰۴). بررسی معیار هدف نظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تأکید بر حمله اسرائیل به صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۱۲ روزه. *مجله مطالعات حقوقی*. شماره ۱۷، (۴). ۱۰۷-۱۴۲.

**روش:** پژوهش با روش تحلیل دکترینال و تطبیقی انجام شده است. ابتدا چارچوب هنجاری حاکم بر تعریف هدف نظامی در پرتو پروتکل الحاقی اول و تفاسیر رسمی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) بررسی می‌شود. سپس رویه‌های شاخص، از جمله بمباران رادیو و تلویزیون صربستان (RTS) در سال ۱۹۹۹ توسط ناتو و حملات به رسانه‌ها در عراق (۲۰۰۳) و فلسطین، تحلیل تطبیقی می‌شود. در گام بعد، یک چارچوب عملیاتی سه معیاری مبتنی بر ماده ۵۲(۲) طراحی می‌شود که شامل: (الف) احراز مشارکت مؤثر در عمل نظامی، (ب) وجود مزیت نظامی قطعی و ملموس در زمان حمله، و (پ) رابطه علی و زمانی میان تخریب هدف و تحقق مزیت نظامی است. این چارچوب با اتکا به شواهد علنی و قابل راستی آزمایی بر وضعیت IRIB تطبیق داده می‌شود و در صورت تردید معقول، قاعده تردید به نفع غیرنظامی بودن هدف اعمال می‌گردد.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که صرف دولتی بودن رسانه یا ایفای نقش تبلیغاتی و سیاسی، برای خروج آن از حمایت غیرنظامی کفایت نمی‌کند. مطابق ماده ۵۲(۲)، احراز هم زمان «مشارکت مؤثر در عملیات نظامی» و «مزیت نظامی معین و قطعی» ضروری است و این معیارها باید بر پایه شواهد فنی، عینی و هم‌زمان با حمله اثبات شوند. بررسی شواهد علنی موجود درباره IRIB عمدتاً ناظر بر فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی است و داده‌های قابل راستی‌آزمایی مبنی بر ارتباط عملیاتی مستقیم با سامانه‌های فرماندهی و کنترل یا انتقال اطلاعات تاکتیکی ارائه نشده است. همچنین رابطه‌ای فوری و ملموس میان تخریب زیرساخت رسانه‌ای و تحقق مزیت نظامی قطعی احراز نشده است. افزون بر این، شواهد کافی درباره اتخاذ تمامی احتیاطات ممکن و انجام ارزیابی دقیق تناسب در دسترس نیست و با توجه به تلفات انسانی و آثار اجتماعی حمله، احتمال نقض اصول تفکیک، احتیاط و تناسب تقویت می‌شود.

**نتیجه‌گیری:** مقاله نتیجه می‌گیرد که اطلاق عنوان «هدف نظامی» به رسانه‌های دولتی مستلزم تفسیری مضیق و مبتنی بر ادله فنی و قابل راستی‌آزمایی است. در مطالعه موردی IRIB، بر اساس اطلاعات علنی موجود، شرایط مقرر در ماده ۵۲(۲) به طور کامل احراز نشده و اعمال قاعده تردید به نفع غیرنظامی بودن هدف ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش پیشنهاد می‌کند برای جلوگیری از توسعه بی‌ضابطه مفهوم هدف نظامی در مخاصمات اطلاعات محور، دستورالعمل‌های شفافتر و سازوکارهای تحقیق مستقل درباره ادعاهای

«استفاده نظامی» از رسانه‌ها در سطح بین‌المللی تدوین شود تا هسته حمایتی حقوق بین‌الملل بشردوستانه حفظ شود.  
**واژگان کلیدی:** رسانه‌های دولتی، هدف نظامی، اصل تفکیک، ماده ۵۲ (۲)، تناسب، احتیاط.

## سر آغاز

در دهه‌های اخیر، تحولات ساختاری در فناوری‌های جنگی و گسترش عملیات اطلاعاتی رسانه‌ای موجب شده است دامنه میدان نبرد از عرصه‌های فیزیکی سنتی فراتر رود و زیرساخت‌های اطلاعاتی و رسانه‌ای از جمله شبکه‌های رادیو و تلویزیون ملی به کانون‌های راهبردی در رقابت‌های نظامی و سیاسی تبدیل شوند. این تحولات پرسشی اساسی را در حقوق بین‌الملل بشردوستانه به وجود می‌آورد: این که تحت چه شرایطی می‌توان یک نهاد رسانه‌ای را به‌عنوان «هدف نظامی» شناسایی و مورد حمله قرار داد؟ اهمیت این پرسش هنگامی دوچندان می‌شود که حملات به مراکز رسانه‌ای دولتی منجر به تلفات انسانی، اختلال در خدمات حیاتی یا تضعیف ظرفیت اطلاع‌رسانی عمومی شود. حمله گزارش شده رژیم اسرائیل به ساختمان شیشه‌ای شبکه خبر سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران<sup>1</sup> در تهران در خلال جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵، نمونه‌ای برجسته از این چالش است که بازتاب صریحی از این مناقشه حقوقی دارد و انگیزه اصلی انجام پژوهش حاضر را فراهم آورده است. پرسش‌های اصلی این مقاله عبارت‌اند از:

- چه معیارهایی موجب تبدیل یک زیرساخت رسانه‌ای به «هدف نظامی» می‌شوند؟
- آیا در حمله به صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در خلال جنگ ۱۲ روزه، عیارهای مندرج در ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ (اصل تفکیک) رعایت شده‌اند؟

1. سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (Islamic Republic of Iran Broadcasting - IRIB) نهاد رسانه‌ای ملی و دولتی ایران است که وظیفه تولید و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی داخلی و بین‌المللی را بر عهده دارد.

- آیا تعهدات مرتبط با احتیاط و سنجش تناسب نیز در جریان این حمله مورد ملاحظه قرار گرفته است؟

پیامدهای حقوقی و سیاستی احتمالی چنین حملاتی چیست؟

پاسخ به این پرسش‌ها هم در سطح تحلیل دکترینال<sup>1</sup> و هم در ارزیابی شواهد عینی اهمیت دارد، زیرا هرگونه گسترش نامحدود در تعریف «هدف نظامی» ممکن است حمایت‌های بنیادین از غیرنظامیان را تضعیف کرده و حقوق اساسی مانند آزادی بیان را به مخاطره اندازد.

روش پژوهش در این مقاله، مبتنی بر تحلیل دکترینال و تطبیقی حقوق بین‌الملل بشردوستانه است و نویسنده با بررسی نمونه‌های موردی مرتبط، از جمله بمباران سال ۱۹۹۹ شبکه رادیو - تلویزیون صربستان (آر تی اس) توسط ناتو، شواهد علنی مربوط به حمله مزبور را مورد بررسی دقیق قرار می‌دهد. برای تحلیل امکان اطلاق برچسب «هدف نظامی» به رسانه‌های دولتی، چارچوب تحلیلی سه معیاری مبتنی بر ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول طراحی شده است: (الف) مشارکت مؤثر در عمل نظامی، (ب) وجود مزیت نظامی معین و ملموس در زمان حمله و (پ) رابطه علی زمانی-عملکردی میان فعالیت رسانه‌ای و عملیات نظامی. بر اساس این چارچوب، شواهدی از جمله بیانیه‌های رسمی طرف‌های درگیر، گزارش‌های نهادهای بین‌المللی و تحلیل‌های فنی مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت فقدان شواهد کافی، اصل تردید به نفع غیرنظامی بودن هدف اعمال می‌شود.

ساختار مقاله به این صورت است: بعد از تعریف هدف نظامی بر اساس ماده 52 پروتکل

1. «دکترینال» به رویکردی در پژوهش حقوقی اطلاق می‌شود که بر تحلیل منابع رسمی حقوق و دیدگاه‌های دکترین (نظریات حقوقدانان) استوار است.

الحاقی در بخش اول، چارچوب حقوقی مرتبط با مفهوم هدف نظامی و اصول تفکیک در حقوق بین‌الملل بشردوستانه تبیین می‌شود. در بخش دوم موازین شواهدی و استانداردهای بار اثبات در تشخیص اهداف نظامی بررسی می‌شود. بخش سوم به‌مرور رویه‌ها و تجربیات مرتبط اختصاص دارد؛ ازجمله حمله ناتو به شبکه آر تی اس<sup>1</sup> صربستان در سال ۱۹۹۹ و حملات اخیر به نهادهای رسانه‌ای در عراق و فلسطین. در بخش چهارم، حمله به سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، به‌مثابه مطالعه موردی تحلیل می‌شود و معیارهای یادشده با شواهد عینی تطبیق می‌یابند. در پایان (بخش پنجم) نتایج بررسی، جمع‌بندی شده و پیشنهادهایی عملی برای شفاف‌سازی قواعد هدفگیری رسانه‌ها در مخاصمات مسلحانه ارائه می‌شود.

### 1. تعریف «هدف نظامی» - ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول

ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول اهداف نظامی را چنین تعریف می‌کند: «اهدافی که به سبب طبیعت، مکان، هدف یا استفاده خود مشارکت مؤثر در عمل نظامی دارند و نابودی یا تضعیف کامل یا جزئی آنها، در شرایط حاکم در آن زمان، مزیت نظامی قطعی فراهم می‌آورد». این تعریف هسته تحلیلی مقاله است و به‌عنوان مبنای حقوقی چارچوب بعدی باید پیش از ورود به قواعد تکمیلی (تفکیک، تناسب، احتیاط) تبیین شود (قلندری، شمامی و سبحانی، ۱۴۰۴: ۳۷). برای روشن شدن نقش تعریفی ماده ۵۲ (۲) آن را می‌توان به دو مؤلفه عملیاتی و قواعد ناظر ازجمله «مشارکت مؤثر در عمل نظامی» و «تبیین و شاخص‌ها» تقسیم کرد. شاخص‌های احتمالی برای اثبات، شامل: ارتباطات مستقیم با

سامانه‌های C3، استفاده از فرستنده‌ها یا کانال‌های رسانه‌ای برای انتقال پیام‌های تاکتیکی/مختصات، هم‌زمانی دقیق پخش با عملیات میدانی، لاگ‌ها و سوابق فنی، نشان‌دهنده تبادل اطلاعات بین واحدهای نظامی و واحد رسانه‌ای است. صرف «پخش پیام‌های تبلیغی» یا «تضعیف روحیه» به تنهایی مصداق مشارکت مؤثر نیست؛ بنابراین هر ادعایی باید با حداقل یک یا چند شاخص فنی و زمانی پشتیبانی شود.

**معنای عملی:** نابودی یا تضعیف آن هدف باید در زمان حمله منتج به یک فایده نظامی عینی، ملموس و قابل پیش‌بینی برای طرف مهاجم باشد (مثلاً قطع کانال ارتباطی فرماندهی، محروم ساختن دشمن از ارزیابی میدانی یا خنثی‌سازی توانایی ارسال مختصات عملیاتی).

**معیار ارزشیابی:** هم‌زمانی فایده با زمان حمله و رابطه علی میان آن از کار افتادن هدف و به دست آمدن برتری نظامی. منطق حمایتی حقوق بشر دوستانه این را می‌طلبد که مزیت ادعا شده عینی و قابل اثبات باشد نه صرفاً انتزاعی یا دیرپدید.

بار اثبات بر عهده مدعی است: طرفی که مشروعیت هدف‌گیری را می‌پذیرد باید شواهد فنی و زمانی ارائه کند. در صورت وجود تردید معقول، قاعده تردید به نفع غیرنظامیان اعمال می‌شود. رابطه مستقیم با قواعد تکمیلی: تعریف ماده ۵۲ (۲) تنها نقطه عزیمت است؛ سپس باید با اصول تفکیک، احتیاط و تناسب تلفیق شود تا معلوم شود حتی در صورت اثبات «مشارکت مؤثر» آیا حمله از منظر تناسب یا اتخاذ احتیاطات ممکن قابل توجیه است یا خیر.

## 2. چارچوب حقوقی حاکم بر هدف‌گیری رسانه‌ها در حقوق بین‌الملل بشردوستانه

در تحلیل مشروعیت هدفگیری رسانه‌های جمعی در مخاصمات مسلحانه، نخست باید چارچوب هنجاری حاکم بر تشخیص اهداف نظامی تبیین شود. حقوق بین‌الملل بشردوستانه با محوریت اصل تفکیک، تعریف مضیقی از «هدف نظامی» ارائه می‌دهد و هرگونه خروج از حمایت غیرنظامی را منوط به تحقق شروط مشخص و قابل‌اثبات می‌داند. از این‌رو، پیش از ورود به بررسی موردی حمله به سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ضروری است مبانی حقوقی مرتبط با بار اثبات، استاندارد ادله، تعریف هدف نظامی و الزامات تکمیلی همچون تناسب و احتیاط به صورت نظام‌مند بررسی شود (نوری و همکاران، 1395: 91).

## 2-1. بار اثبات و استاندارد ادله در تشخیص اهداف نظامی

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، خروج یک شیء یا نهاد از شمول حمایت غیرنظامیان مستلزم احراز شرایطی است که به‌طور مضیق تفسیر می‌شوند. بر این اساس، بار اثبات تحقق شرایط مندرج در ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، یعنی «مشارکت مؤثر در عمل نظامی» و «وجود مزیت نظامی معین و ملموس» بر عهده طرفی است که مشروعیت هدفگیری را ادعا می‌کند. این رویکرد در تفسیرهای معتبر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ<sup>1</sup> و رویه‌های بین‌المللی مرتبط مورد تأکید قرار گرفته است. مطابق قاعده تفسیری شناخته شده در حقوق بشردوستانه، هنگامی‌که نسبت به ماهیت نظامی یا غیرنظامی یک هدف تردید معقول وجود داشته باشد، آن هدف باید به‌عنوان غیرنظامی تلقی شود (ICRC, 2016; ICTY, 2000; Human Rights Committee, 2018). این اصل که به «قاعده تردید» مشهور

1. International Committee of the Red Cross (ICRC)

است، نقش بنیادینی در تضمین اصل تفکیک و جلوگیری از گسترش نا به جای دایره اهداف نظامی ایفا می‌کند و به‌عنوان ابزاری کلیدی در حفاظت از غیرنظامیان و خبرنگاران در درگیری‌های مسلحانه شناخته می‌شود. در مورد رسانه‌های جمعی دولتی، کاربرد این قاعده اهمیت مضاعفی می‌یابد؛ زیرا فعالیت‌های رسانه‌ای، حتی اگر حاوی محتوای تبلیغاتی یا جانبدارانه باشند، به‌طور ذاتی عملیاتی نظامی محسوب نمی‌شوند. در نتیجه، صرف ادعای تأثیرگذاری روانی یا اطلاعاتی بر افکار عمومی بدون ارائه شواهد روشن و قابل راستی آزمایی از نقش عملیاتی مستقیم رسانه در هدایت، هماهنگی یا پشتیبانی فنی از اقدامات نظامی، برای انتقال بار اثبات یا سلب حمایت غیرنظامی کافی نیست (اصغری، ۱۴۰۲: ۴۵). اگرچه حقوق بین‌الملل بشردوستانه استاندارد روشن و یکسانی برای میزان اقناع لازم در تشخیص هدف نظامی تعیین نکرده است، اما رویه‌ها و تفسیرهای موجود نشان می‌دهند که دستکم شواهد عینی، مشخص و هم‌زمان با حمله ضروری است. از این‌رو، اتکا به اطلاعات کلی، ارزیابی‌های پسینی یا ادعاهای غیرقابل راستی آزمایی با روح حمایتی این شاخه از حقوق بین‌الملل سازگار نیست. در غیاب چنین شواهدی، اصل تردید به نفع غیرنظامی بودن هدف اعمال می‌شود، حتی اگر هدف مورد نظر یک نهاد دولتی باشد. اجرای ماده ۵۲ (۲) نیازمند ارزیابی ساختاریافته مجموعه‌ای از شاخص‌ها از جمله: ماهیت استفاده، زمان‌بندی مشارکت، رابطه علی میان نابودی هدف و مزیت نظامی، امکان اتخاذ گزینه‌های کم‌خسارت‌تر است. تطبیق این شاخص‌ها با وضعیت سازمان صداوسیما نشان می‌دهد که عناصر لازم برای اثبات هم‌زمان «مشارکت مؤثر» و «مزیت نظامی قطعی» محقق نشده‌اند؛ امری که

مشروعیت حقوقی هدفگیری را به شدت زیر سؤال می‌برد.

**2-2. اصل تفکیک و قلمرو حفاظت اشیای غیرنظامی**  
 اصل تفکیک<sup>1</sup> یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که ایجاب می‌کند طرف‌های خصمه «در تمامی زمان‌ها» میان غیرنظامیان و رزمندگان و نیز میان اشیای غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند (ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول) (ICRC, 2016). توضیح این اصل در اینجا صرفاً بیان کلی یک قاعده نیست؛ بلکه نقش روش شناسانه و نقادی آن برای چارچوب تحلیل حقوقی مقاله حیاتی است؛ اولاً، اصل تفکیک معیار حقوقی آزمون مشروعیت هدفگیری زیرساخت‌های رسانه‌ای را فراهم می‌آورد یعنی هر تحلیل درباره این که آیا یک نهاد رسانه‌ای می‌تواند «هدف نظامی» باشد باید با اتکا به اصل تفکیک و محدودیت‌های آن سنجیده شود. ثانیاً، این اصل بار اثبات و استاندارد خواهد را تعیین می‌کند: مدعی نظامی بودن یک رسانه بر عهده طرفی است که هدفگیری را توجیه می‌کند و در صورت وجود تردید معقول، قاعده تردید به نفع غیرنظامیان اعمال می‌شود. ثالثاً، اصل تفکیک رابطه تنگاتنگی با سایر قواعد تکمیلی مثل تناسب و احتیاط دارد؛ بنابراین بررسی این مقاله نه‌تنها باید مشخص کند که آیا فعالیت‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصداق «مشارکت مؤثر در عمل نظامی» است، بلکه باید نشان دهد که حتی در صورت احراز چنین مشارکتی آیا اصول تناسب و احتیاط نیز رعایت شده‌اند یا خیر. نهایتاً، روشن‌سازی این پیوندها باعث می‌شود که بخش‌های بعدی مقاله ازجمله ماتریس معیارهای ماده ۵۲ (۲)، ارزیابی خواهد

فنی و پیشنهادهای رویه‌ای برای تحقیقات مستقل در بستری هنجاری و قابل دفاع قرار گیرند و خواننده بفهمد چرا تحلیل حقوقی هدفگیری رسانه‌ها فراتر از ملاحظات نمادین یا سیاسی است (طیب‌زاده، زین‌الدینی، 1402: ۵۸).

### 2-3. قاعده تردید، تناسب و احتیاط در هدفگیری رسانه‌ها

در ادبیات تفسیری حقوق بشردوستانه تأکید شده است که ادعای نظامی بودن یک شیء غیرنظامی، مستلزم ارائه شواهد عینی و قابل‌اتکاست. کمیته تفسیری صلیب سرخ بر لزوم ارائه شواهد عملی درباره «مشارکت مؤثر» تأکید کرده و رویه‌های قضایی نیز بار اثبات را بر عهده مدعی گذاشته‌اند (ICRC, 2016). استاندارد اثبات در این زمینه به‌طور صریح تعیین نشده، اما در هر حال ادعای نظامی بودن یک هدف باید بر شواهد عینی و قابل‌اتکا استوار باشد و نمی‌تواند بر حدس یا ارزیابی‌های کلی مبتنی شود. در این پژوهش، معیار عملیاتی «مشارکت مؤثر» به صورت ماتریسی تعریف شده است که شامل شاخص‌های زیر است:

شاخص‌های فنی (مانند ارتباط شبکه‌ای با سیستم‌های C3)<sup>1</sup>

شاخص‌های زمانی (هم‌زمانی پخش برنامه با عملیات نظامی)

شاخص‌های مستند (مستندات ارتباطی یا گواهی‌های رسمی)

تنها در صورت وجود حداقل دو شاخص اصلی می‌توان به «مشارکت مؤثر» قائل بود. حتی در فرض اثبات نظامی بودن یک هدف، حمله باید با

1 C3 (Command, Control and Communications) به مجموعه سامانه‌های یکپارچه فرماندهی، کنترل و ارتباطات نظامی اطلاق می‌شود که امکان صدور دستورات عملیاتی، هماهنگی نیروها و انتقال داده‌های تاکتیکی در زمان واقعی را فراهم می‌کنند.

رعایت اصل تناسب انجام شود. به این معنا که خسارات و تلفات غیرنظامیان نباید نامتناسب با مزیت نظامی مورد انتظار باشد (حاجی اسماعیلی، ۱۴۰۳: ۳۳۱). علاوه بر این، طرف مهاجم موظف است تمام «احتیاط‌های ممکن» را برای کاهش آسیب به غیرنظامیان به کار بندد. این احتیاط‌ها شامل: اطلاع‌رسانی قبلی، انتخاب روش و زمان مناسب برای حمله، اتخاذ تدابیر فنی کاهش دهنده خسارت هستند. در غیاب شواهد کامل از رعایت این احتیاط‌ها، شائبه نقض قواعد تفکیک و تناسب افزایش می‌یابد.

### 3. مناقشه تفسیری درباره وضعیت حقوقی رسانه‌ها در مخاصمات مسلحانه

در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه، رسانه‌ها و خبرنگاران در اصل بخشی از جمعیت غیرنظامی تلقی می‌شوند و از حمایت عمومی مقرر برای اشیای غیرنظامی و افراد غیر رزمنده برخوردارند. این وضعیت حمایتی، هم در اسناد معاهداتی و هم در حقوق عرفی تثبیت شده است (بقلربیگی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۲). مطابق ماده ۷۹ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو، خبرنگارانی که در مأموریت‌های حرفه‌ای خطرناک در مناطق مخاصمه فعالیت می‌کنند «به‌عنوان افراد غیرنظامی محسوب می‌شوند» و مشمول همان حمایت‌هایی هستند که برای غیرنظامیان پیش‌بینی شده است. این حکم، به‌طور ضمنی دلالت دارد که تجهیزات و تأسیسات مورد استفاده حرفه‌ای آنان نیز در اصل در زمره اشیای غیرنظامی قرار می‌گیرند، مگر آن که شرایط استثنایی خروج از حمایت، مطابق ماده ۵۲ (۲) تحقق یابد. تفاسیر رسمی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تصریح می‌کند که فعالیت رسانه‌ای اگر جانب‌دارانه یا تبلیغاتی باشد به‌خودی‌خود مشارکت مستقیم در خصومت‌ها محسوب نمی‌شود.

معیار تعیین‌کننده، «نقش عملی و مستقیم در عملیات نظامی» است نه محتوای پیام یا جهت‌گیری سیاسی آن. از همین رو، رسانه‌ای که صرفاً در جهت تقویت روحیه عمومی یا بازتاب دیدگاه‌های دولت متبوع خود فعالیت می‌کند، همچنان از حمایت غیرنظامی برخوردار است.

در رویه بین‌المللی نیز این برداشت مضیق مورد تأیید قرار گرفته است. گزارش کمیته تشکیل شده توسط دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق<sup>1</sup> در خصوص بمباران رادیو و تلویزیون صربستان (آر تی اس) در سال ۱۹۹۹، تصریح می‌کند که «خاموش کردن تبلیغات دولتی» یا «تضعیف روحیه دشمن» به تنهایی مبنای مشروع برای هدفگیری رسانه‌ها نیست، مگر آن که ارتباط عملیاتی و فنی با سامانه‌های نظامی اثبات شود. علاوه بر این، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد از جمله ۱۷۳۸ (۲۰۰۶) و ۲۲۲۲ (۲۰۱۵) بر ضرورت حمایت از خبرنگاران و تأسیسات رسانه‌ای در مخاصمات مسلحانه تأکید کرده‌اند. این اسناد، گرچه ماهیت کیفری مستقیم ندارند، اما نشان‌دهنده اجماع فزاینده جامعه بین‌المللی درباره جایگاه حمایتی رسانه‌ها هستند. معیار تعیین‌کننده در تمامی این منابع، مالکیت دولتی یا خصوصی رسانه نبوده بلکه «استفاده مؤثر نظامی» است.

### 3-1. اختلاف‌نظر دکترینال درباره معیار «مشارکت مؤثر»

با وجود پذیرش اصل حمایتی، اختلاف‌نظر اصلی در ادبیات حقوقی ناظر به تفسیر مفهوم «مشارکت مؤثر در عمل نظامی» در ماده ۵۲ (۲) است. بخش قابل‌توجهی از نویسندگان کلاسیک، از جمله یورام

1. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia

دینشتاین<sup>1</sup>، مارکو ساسولی<sup>2</sup> و ویلیام اچ. بوتبی<sup>3</sup>، بر تفسیر مضیق این مفهوم تأکید دارند. از دیدگاه آنان، نقش تبلیغاتی، روانی یا سیاسی رسانه‌ها اگر در خدمت تلاش جنگی کلی باشد برای خروج از حمایت غیرنظامی کفایت نمی‌کند. تنها در صورت اثبات مشارکت عملی، مستقیم و قابل انتساب به عملیات رزمی است که می‌توان رسانه‌ای را هدف نظامی تلقی کرد. در مقابل، برخی تحلیل‌های معاصر به‌ویژه در زمینه جنگ‌های نامتقارن، عملیات اطلاعاتی و «جنگ شناختی» کوشیده‌اند دامنه این مفهوم را توسعه دهند. در این دیدگاه، رسانه‌ها ممکن است بخشی از «تلاش نظامی کلی» تلقی شوند، به‌ویژه زمانی که در بسیج افکار عمومی، هماهنگی عملیات روانی یا مشروعیت بخشی سیاسی به عملیات نظامی نقش فعال ایفا کنند. با این حال، این رویکرد با انتقاداتی جدی مواجه شده است؛ زیرا توسعه بی‌ضابطه مفهوم «هدف نظامی» می‌تواند مرز میان اشیای نظامی و غیرنظامی را تضعیف کند و اصل تفکیک را در معرض فرسایش تدریجی قرار دهد (احمدی و دهشیری، ۱۴۰۵: ۵۷۰).

## ۲-۳. تبلیغات جنگی، جنگ اطلاعاتی و محدودیت‌های حقوقی

یکی از مهم‌ترین استدلال‌هایی که در توجیه هدفگیری رسانه‌ها مطرح می‌شود، ادعای نقش آنان در تبلیغات جنگی یا عملیات روانی است. با گسترش مفاهیمی مانند «جنگ اطلاعاتی» و «جنگ شناختی»، برخی دولت‌ها کوشیده‌اند فعالیت رسانه‌ای خصمانه را در زمره مشارکت در خصومت‌ها قرار دهند (غلامی و حکاک زاده، ۱۴۰۱: ۱۶۷-۱۷۰). با این حال، بررسی دقیق حقوق بین‌الملل

1. Yoram Dinstein

2. Marco Sassòli

3. William H. Boothby

بشردوستانه نشان می‌دهد که تبلیغات اگر خصمانه یا تحریک‌آمیز باشد عموماً اثری غیرمستقیم دارد و به تنهایی مزیت نظامی «قطعی و ملموس» ایجاد نمی‌کند. رویه بین‌المللی نیز این برداشت را تأیید می‌کند. در ماجرای بمباران شبکه آر تی اس، استدلال ناتو مبنی بر نقش کلیدی رسانه در ماشین تبلیغاتی دولت صربستان، از سوی کمیته دادستان ICTY برای مشروعیت بخشی به هدفگیری کافی دانسته نشد. معیار اساسی، وجود ارتباط عملیاتی مستقیم با عملیات نظامی بود نه صرف تأثیر روانی.

البته در ادبیات حقوقی به موارد استثنایی نیز اشاره شده است؛ از جمله نقش برخی رسانه‌ها در تحریک مستقیم به ارتکاب جنایات بین‌المللی در جریان نسل‌کشی رواندا. با این حال حتی در آن موارد، پاسخ حقوقی جامعه بین‌المللی عمدتاً از مسیر مسئولیت کیفری فردی پیگیری شد و نه از طریق مشروعیت بخشی به هدفگیری نظامی تأسیسات رسانه‌ای. پذیرش این ادعا که «تبلیغات دشمنانه» به‌خودی‌خود موجب تبدیل رسانه به هدف نظامی می‌شود پیامدهای خطرناکی در پی دارد؛ زیرا می‌تواند عملاً هر رسانه مخالف یا منتقد را در معرض حمله قرار دهد. از همین رو، تفاسیر معتبر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر ضرورت تمایز دقیق میان تأثیر روانی و مشارکت عملی نظامی تأکید دارند.

### 3-3. خلأ موجود و جایگاه پژوهش حاضر

مرور انتقادی دیدگاه‌های پیش‌گفته نشان می‌دهد که گرچه اصل حمایت از رسانه‌ها در مخاصمات مسلحانه، در پرتو اصل تفکیک و مقررات مندرج در پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) به‌طور گسترده مورد پذیرش دکتترین و رویه بین‌المللی قرار گرفته است، اما سطح و شیوه احراز «مشارکت مؤثر در عمل نظامی»

همچنان با ابهام‌های مفهومی و عملی روبه‌روست. اختلاف اصلی نه بر سر اصل حمایت بلکه بر سر آستانه خروج از این حمایت است: این که چه میزان و چه نوع ارتباطی میان یک رسانه و عملیات نظامی می‌تواند آن را در قلمرو «هدف نظامی» قرار دهد. بخش عمده ادبیات موجود یا به تحلیل‌های کلی و نظری درباره نسبت میان تبلیغات و خصومت‌ها بسنده کرده و یا به بررسی پرونده‌های تاریخی محدود مانند ماجرای بمباران شبکه آر تی اس پرداخته است. در این آثار، اگرچه اصول حاکم به درستی تبیین شده‌اند، اما غالباً چارچوبی عملیاتی برای ارزیابی شواهد ارائه نشده است. به بیان دیگر، پرسش «چه زمانی» و «بر اساس چه شاخص‌هایی» می‌توان ادعای مشارکت مؤثر را احراز کرد، کمتر به صورت روشمند و مبتنی بر معیارهای عینی واکاوی شده است. از سوی دیگر، تحولات سال‌های اخیر به ویژه گسترش عملیات اطلاعاتی، جنگ شناختی و بهره‌گیری از زیرساخت‌های رسانه‌ای در بسترهای ترکیبی چالش‌های جدیدی را پیش روی تفسیر سنتی ماده ۵۲ (۲) قرار داده است. در این زمینه‌ها، ادعاهای مربوط به نقش رسانه‌ها در «تلاش نظامی کلی» افزایش یافته، اما تحلیل‌های حقوقی ناظر به این ادعاها غالباً یا به استدلال‌های سیاست محور محدود مانده یا فاقد بررسی دقیق شواهد فنی و مستند بوده‌اند. در نتیجه، شکاف محسوسی میان مباحث نظری و ارزیابی موردی مبتنی بر داده‌های قابل راستی آزمایی مشاهده می‌شود.

پژوهش حاضر درصدد پر کردن همین خلأ است. این مقاله با تلفیق تحلیل دکترینال و مطالعه موردی حمله به سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، می‌کوشد معیارهای مقرر در ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول را نه صرفاً در سطح مفهومی بلکه در قالب یک چارچوب عملیاتی بر یک نمونه معاصر اعمال کند. هدف آن است که از رهگذر این

تطبیق عینی، حدود و ثغور تفسیر مضیق مفهوم «مشارکت مؤثر» روشن‌تر شود و نشان داده شود که صرف ادعای نقش تبلیغاتی یا سیاسی بدون ارائه شواهد فنی و قابل‌اتکا، نمی‌تواند مبنای مشروعیت هدف‌گیری یک رسانه باشد. به این ترتیب، ارزش‌افزوده این پژوهش در دو سطح قابل‌شناسایی است: نخست در سطح نظری، از طریق نظام‌مند ساختن معیارهای احراز مشارکت مؤثر و تفکیک آن از تأثیرات صرفاً روانی یا سیاسی؛ و دوم در سطح کاربردی، با ارائه الگویی برای ارزیابی حقوقی ادعاهای نظامی بودن رسانه‌ها در مخاصمات معاصر. این رویکرد می‌تواند به تقویت انسجام تفسیری، پیشگیری از توسعه بی‌ضابطه مفهوم «هدف نظامی» و صیانت از هسته حمایتی حقوق بین‌الملل بشردوستانه کمک کند.

#### 4. پیشینه رویه‌ای و قضایی هدف‌گیری رسانه‌ها

بررسی چارچوب‌های هنجاری مربوط به تعریف «هدف نظامی» زمانی معنا و کارآمدی خود را نشان می‌دهد که در پرتو رویه‌های عملی و قضایی آزمون شود. تجربه‌های پیشین مخاصمات مسلحانه، به‌ویژه مواردی که در آن‌ها زیرساخت‌های رسانه‌ای هدف حمله قرار گرفته‌اند، بستری مهم برای سنجش نحوه تفسیر ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول و اعمال اصول تفکیک، تناسب و احتیاط فراهم می‌آورند. از این منظر، تحلیل پیشینه رویه‌ای و واکنش‌های حقوقی و دکترینال نسبت به این حملات، نه‌تنها به روشن شدن استانداردهای اثبات و تفسیر کمک می‌کند بلکه امکان ارزیابی تطبیقی حمله به صداوسیما جمهوری اسلامی ایران را نیز فراهم می‌سازد. در میان نمونه‌های موجود، بمباران ساختمان رادیو و تلویزیون صربستان (شبکه آر تی اس) توسط ناتو در سال ۱۹۹۹ جایگاهی محوری در ادبیات حقوق بشردوستانه یافته است؛ زیرا این رویداد به‌طور مستقیم

مسئله مشروعیت هدفگیری یک رسانه دولتی را در چارچوب ماده ۵۲ (۲) مطرح ساخت و واکنش‌های گسترده‌ای از سوی نهادهای حقوق بشری، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و حقوقدانان برجسته برانگیخت. از این‌رو، این پرونده به‌عنوان نقطه عزیمت تحلیل رویه‌ای در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### 4-۱. بمباران رادیو و تلویزیون صربستان

بمباران مقر رادیو و تلویزیون صربستان در جریان عملیات ناتو، یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها در تبیین معیارهای محدودکننده تبدیل رسانه‌ها به اهداف نظامی به شمار می‌رود. ناتو مدعی بود که امکانات شبکه آر تی اس تلویزیون صربستان با سامانه‌های فرماندهی و کنترل نظامی ارتباط داشته‌اند. با این حال، بررسی‌های بعدی به‌ویژه گزارش کمیته تشکیل شده توسط دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق تصریح کرد که تنها در صورت اثبات چنین ارتباطی، حمله می‌تواند توجیه‌پذیر باشد و به صراحت تأکید کرد که هدفگیری رسانه صرفاً به‌منظور ساکت کردن تبلیغات حکومتی، فاقد مشروعیت حقوقی است (دادستان ICTY، ۲۰۰۰؛ قاسمی، 61:1401).

#### 4-۲. حملات به دفاتر رسانه‌ای در عراق (۲۰۰۳)

در جریان تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق، موارد متعددی از حمله به دفاتر رسانه‌ای و اماکن مرتبط با خبرنگاران گزارش شد. در بسیاری از این موارد، نهادهای بین‌المللی و روزنامه‌نگاران مستقل خواستار شفاف‌سازی دلایل نظامی این حملات شدند. بررسی این رویه‌ها نشان داد که تشخیص «استفاده نظامی» از سوی نیروهای مهاجم، اغلب محل اختلاف بوده و نیازمند ارزیابی مستقل و بی‌طرفانه است.

#### 4-3. حملات اسرائیل به رسانه‌های فلسطینی: تحلیل رویه‌ای

مقامات بین‌المللی، سازمان‌های مدافع حقوق بشر و ناظران حقوقی بارها تأکید کرده‌اند که حملات صورت گرفته علیه رسانه‌ها و مطبوعات فلسطینی، در بسیاری از موارد فاقد شواهد مستقل دال بر استفاده نظامی بوده است و از این رو با انتقادات جدی حقوقی مواجه شده‌اند (کازمی، 1399: ۱۹). این رویه به‌روشنی نشان دهنده خطر تبدیل معیار «تبلیغات خصمانه» به مجوز حمله نظامی است. درس کلی حاصل از این پیشنهادها آن است که معیارهای مندرج در ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول باید با دقت فنی، تفسیر مضیق و بر پایه شواهد عینی و قابل راستی آزمایی نه بر اساس برداشتهای نمادین، سیاسی یا رسانه‌ای اعمال شوند (ICRC, 2016).

#### 5. تحلیل موردی: حمله به سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (IRIB)

پس از تبیین چارچوب هنجاری حاکم بر تعریف هدف نظامی و بررسی رویه‌های مرتبط با هدفگیری رسانه‌ها، اکنون این معیارها باید در یک بستر عینی مورد آزمون قرار گیرند. حمله گزارش شده به ساختمان شیشه‌ای شبکه خبر سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه، نمونه‌ای معاصر و بحث‌برانگیز از هدفگیری یک رسانه دولتی است که ارزیابی آن مستلزم اعمال دقیق عناصر ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول، همراه با اصول تکمیلی تفکیک، تناسب و احتیاط است. تحلیل حاضر بر آن است که با تفکیک میان توصیف وقایع و ارزیابی حقوقی، نخست داده‌های در دسترس درباره حمله را بازسازی کند و سپس در پرتو چارچوب تحلیلی ارائه شده در بخش‌های پیشین، مشروعیت یا عدم مشروعیت آن را مورد بررسی قرار دهد. این رویکرد از اختلاط روایت

سیاسی با تحلیل حقوقی جلوگیری کرده و امکان داوری مبتنی بر معیارهای عینی را فراهم می‌سازد. بر اساس گزارش‌های منتشرشده توسط رسانه‌های بین‌المللی و نهادهای خبری مستقل در تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵، ساختمان شیشه‌ای شبکه خبر سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در تهران هدف مجموعه‌ای از حملات هوایی قرار گرفت (الجزیره، ۲۰۲۵؛ آسوشیتدپرس، ۲۰۲۵). این حملات هم‌زمان با پخش زنده برنامه‌ها رخ داد و گزارش‌هایی از کشته و زخمی‌شدن کارکنان رسانه و قطع پخش برنامه‌ها منتشر شد. برخی مقامات اسرائیلی در بیانیه‌های رسمی، رسانه دولتی ایران را «ابزار تبلیغاتی رژیم» توصیف کرده و مدعی شدند که این نهاد در چارچوب «پشتیبانی» از عملیات نظامی یا جنگ روانی ایفای نقش می‌کند (Al Jazeera, 2025). در مقابل، سازمان‌های مدافع آزادی مطبوعات و نهادهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری با تأیید وقوع تلفات انسانی در میان کارکنان رسانه، این حمله را محکوم کردند.

## 5-1. بررسی معیار مشارکت مؤثر و تحلیل مزیت نظامی قطعی

برای احراز «مشارکت مؤثر» مطابق ماده ۵۲ (۲) لازم است نشان داده شود که رسانه هدف گرفته شده به‌طور عملی و مستقیم در عملیات نظامی مشارکت داشته است. برای مثال، از طریق انتقال اوامر نظامی، پخش اطلاعات شناسایی، یا ایفای نقش فعال در سامانه‌های فرماندهی، کنترل و ارتباطات. شواهد علنی موجود تا زمان نگارش این مقاله عمدتاً دلالت بر فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران دارد نه مشارکت مستقیم در عملیات نظامی. از این‌رو، ادعاهای مطرح شده از سوی مقامات اسرائیلی مستلزم ارائه مدارک فنی و قابل راستی‌آزمایی نظیر داده‌های ارتباطی، ثبت‌های

انتقال اطلاعات یا گزارش‌های فنی ماهواره‌ای است تا از منظر حقوقی قابل‌اتکا تلقی شود. در فقدان چنین شواهد علنی، معیار «مشارکت مؤثر» در این مورد محقق شده به نظر نمی‌رسد (موسوی، 1402: 104). حتی در فرضی که یک رسانه بتواند اثرگذاری روانی یا نقش اطلاع‌رسانی استراتژیک ایفا کند، این تأثیر عموماً غیرمستقیم است و به‌سختی می‌توان آن را «مزیت نظامی قطعی» به معنای مقرر در ماده ۵۲ (۲) دانست. این ماده مستلزم وجود رابطه‌ای علنی، ملموس و فوری میان نابودی هدف و بهبود توان نظامی مهاجم است. در مورد سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، چنین رابطه‌ای بر اساس منابع علنی و شواهد در دسترس اثبات نشده است (میرباقری، ۱۴۰۴: ۶۱).

## 5-2. رعایت اصول احتیاط و تناسب

برخی گزارش‌ها از صدور اخطار تخلیه برای بخش‌هایی از مناطق هدف پیش از حمله حکایت دارند. با این حال، صدور اخطار تنها در صورتی می‌تواند نشانه‌ای از رعایت تعهدات احتیاط تلقی شود که اثربخشی آن در زمان مناسب شامل کلیه مخاطبان غیرنظامی و امکان واقعی تخلیه احراز شده باشد. حتی در صورت صدور اخطار، رعایت اصل احتیاط مستلزم اتخاذ مجموعه‌ای از تدابیر مکمل است؛ مانند انتخاب روش یا زمان کم‌خطرتر برای حمله و به‌کارگیری تمهیدات فنی کاهش دهنده خسارت. شواهد موجود، نشان‌دهنده اجرای کامل هیچ‌یک از این اقدامات نیست. علاوه بر این، هرگونه تخریب زیرساخت رسانه‌ای مستلزم ارزیابی دقیق نسبت هزینه به منافع نظامی است. در فقدان شواهد فنی قانع‌کننده از مزیت نظامی قطعی، زیان‌های پیش‌بینی شده (نظیر تلفات کارکنان غیرنظامی رسانه، قطع خدمات اطلاع‌رسانی عمومی و اختلال در کارکرد شهری) می‌تواند با مزیت نظامی مورد انتظار نامتناسب باشد که

احتمال نقض قاعده تناسب را تقویت می‌کند (اسمعیلی، ۱۴۰۳: ۵۲). با توجه به معیارهای دکترین حقوق بشردوستانه و شواهد علنی موجود، حمله مورد بحث نمی‌تواند بدون ابهام حقوقی توجیه شود. عدم افشای شواهد فنی توسط دولت مهاجم همراه با پیامدهای انسانی و زیربنایی قابل‌توجه، پرسش‌های جدی درباره رعایت اصول تفکیک، احتیاط و تناسب را باقی می‌گذارد. بر این اساس، این حمله مشمول اتهام نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه است و انجام تحقیقات مستقل، بی‌طرفانه و مستند برای اثبات یا رد این اتهامات ضروری به نظر می‌رسد.

## 6. بررسی تطبیقی و آموزه‌های رویه‌ای

تحلیل موردی حمله به سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، اگرچه بر پایه چارچوب نظری و هنجاری پیشین انجام شد، اما برای ارزیابی نهایی مشروعیت چنین اقداماتی لازم است یافته‌های آن در پرتو تجارب پیشین و رویه‌های موجود مقایسه و سنجیده شود. بررسی تطبیقی، امکان شناسایی الگوهای تفسیر ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول، نحوه توزیع بار اثبات و استانداردهای اعمال اصل تناسب در هدفگیری رسانه‌ها را فراهم می‌سازد. از این منظر، بازخوانی پرونده‌های شاخصی که در آن‌ها زیرساخت‌های رسانه‌ای موضوع حمله قرار گرفته‌اند می‌تواند به استخراج «آموزه‌های رویه‌ای» کمک کند؛ آموزه‌هایی که هم در تحلیل وضعیت صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و هم در تبیین تحولات معاصر مفهوم «هدف نظامی» در مخاصمات اطلاعات محور اهمیت دارند. در این چارچوب، پرونده رادیو و تلویزیون صربستان در سال ۱۹۹۹ بار دیگر به‌عنوان نمونه‌ای مرجع مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد، اما این بار نه صرفاً در

مقام گزارش واقعه بلکه در مقام سنجش معیارهای استنباطی و پیامدهای هنجاری آن.

### 6-1. پرونده رادیو و تلویزیون صربستان (۱۹۹۹)

پرونده بمباران رادیو و تلویزیون صربستان در سال ۱۹۹۹ آموزه‌های مهمی برای تحلیل مشروعیت هدفگیری رسانه‌ها ارائه می‌دهد. نخست، وجود ارتباط فیزیکی یا فنی مستقیم میان تأسیسات پخش و سامانه‌های نظامی می‌تواند در صورت اثبات مبنایی برای مشروعیت هدفگیری تلقی شود. دوم، تشخیص چنین ارتباطی باید مبتنی بر شواهد فنی، عینی و غیرسیاسی باشد. سوم، هدفگیری رسانه صرفاً به منظور ساکت کردن تبلیغات دولتی یا پیام‌های سیاسی به هیچ‌وجه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه مشروع نیست. این آموزه‌ها به‌طور مستقیم در مورد پرونده صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نیز قابل اعمال است. بدین معنا که توصیف نمادین یک رسانه به‌عنوان «ابزار تبلیغاتی» به تنهایی برای سلب حمایت غیرنظامی آن کفایت نمی‌کند.

### 6-2. تجربه عراق (۲۰۰۳)

تجربه حملات سال ۲۰۰۳ به عراق نشان داد که در فقدان شفافیت درباره دلایل نظامی حمله به زیرساخت‌های رسانه‌ای، افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی به سرعت به احتمال نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه مشکوک می‌شوند. این تجربه بیانگر آن است که برای حفظ مشروعیت حقوقی و سیاسی اقدامات نظامی، ارائه دلایل مستدل و در موارد حساس، افشای حداقلی مدارک فنی توجیه کننده حمله امری ضروری است.

### 6-3. روندهای نوین در مخاصمات اطلاعاتی

ظهور عملیات سایبری و تلفیق ابزارهای الکترونیکی با رسانه‌های سنتی، مرز میان

«استفاده غیرنظامی» و «استفاده نظامی» را پیچیده‌تر کرده است. در این چارچوب، پژوهشگران حقوق بین‌الملل پیشنهاد کرده‌اند که اعمال معیارهای ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول در عمل باید همراه با مجموعه‌ای از شواهد فنی، سازوکارهای بررسی مستقل و استانداردهای روشن برای افشای دلایل نظامی باشد تا از سوءاستفاده از این معیارها جلوگیری شود (اشمیت، ۱۴۰۱: ۵۲).

### 7. بحث و پیامدهای حقوقی

تحلیل حاضر چند نتیجه کلیدی و پیامد سیاستی مهم را آشکار می‌سازد:

الف. حفاظت از رسانه‌ها به‌عنوان یک ارزش ذاتی: حمایت از رسانه‌ها باید جایگاه خود را در چارچوب حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه حفظ کند (رستمی، 1402: ۱۱۲). رسانه‌های دولتی ممکن است نقش سیاسی یا تبلیغاتی ایفا کنند، اما این نقش‌ها نباید به‌طور خودکار منجر به سلب حمایت غیرنظامی از آنها شود.

ب. ضرورت شفافیت دلایل نظامی و ارائه شواهد فنی: دولت‌هایی که مدعی استفاده نظامی از زیرساخت‌های رسانه‌ای هستند، باید مدارک فنی قابل‌اتکا ارائه دهند یا دستکم آمادگی پذیرش بررسی‌های مستقل را داشته باشند. این الزام نه‌تنها برای رعایت تعهدات حقوق بین‌المللی، بلکه برای حفظ مشروعیت سیاسی اقدامات نظامی نیز حیاتی است.

ج. اجرای محتاطانه و داده محور آزمون تناسب: تصمیم‌گیرندگان نظامی مکلفاند پیش از حمله، به‌طورجدی ارزیابی کنند که آیا زیان‌های پیش‌بینی شده برای غیرنظامیان به صورت «نامتناسب» بر مزیت نظامی مورد انتظار پیشی می‌گیرد یا خیر. در صورت وجود چنین خطری،

باید از حمله صرفنظر شود یا روش‌های کم‌ضرر جایگزین شود (سودمندی، ۱۳۹۵: ۹۲).  
 د. لزوم تدوین دستورالعمل‌های عملیاتی بین‌المللی: در مواجهه با تحولات فناورانه، نهادهای بین‌المللی مانند ICRC سازمان ملل متحد و کنفرانس‌های دیپلماتیک باید دستورالعمل‌های عملیاتی روشنی برای تشخیص «استفاده نظامی» از رسانه‌ها و زیرساخت‌های اطلاعاتی تدوین کنند.

### 7-1. تبلیغات و عملیات روانی: استثنای حقوقی در هدفگیری رسانه‌ها

یکی از چالش‌های محوری در تفسیر ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول و قواعد تفکیک این است که آیا «تبلیغات» یا «عملیات روانی» منتشره از طریق رسانه‌ها می‌تواند به خودی خود مصداق «مشارکت مستقیم در خصومت» و در نتیجه مبنای خروج از حمایت غیرنظامی شود یا خیر. در تفسیر رسمی و در رویه‌های بین‌المللی، پاسخ کلی محافظه‌کارانه‌ای شکل گرفته که بر «لزوم احراز نقش عملی، مستقیم و قابل راستی آزمایی» تأکید دارد و صرف تأثیر روانی یا تبلیغاتی را کافی نمی‌داند. این برداشت محتاطانه با هدف بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، یعنی «حمایت از قربانیان مخاصمه مسلحانه» نیز همسو است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تصریح می‌کند که «هدف اصلی حقوق بشردوستانه، حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه است». بر همین مبنا، تفسیر ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول نشان می‌دهد که برای شناسایی یک هدف به‌عنوان هدف نظامی، تحقق دو عنصر «مشارکت مؤثر در عمل نظامی» و «ایجاد مزیت نظامی مشخص و قطعی در زمان حمله» ضروری است؛ بنابراین فعالیت‌های تبلیغاتی که آثار آن عمدتاً روانی، سیاسی یا نمادین است به تنهایی معمولاً برای احراز عنصر «مشارکت مؤثر در عمل

نظامی» کفایت نمی‌کند؛ مگر آن که شواهد عینی و فنی مبنی بر نقش عملی و مستقیم رسانه در عملیات نظامی وجود داشته باشد، مانند انتقال مختصات، اتصال به سامانه‌های فرماندهی و کنترل مشترک، یا هماهنگی عملیاتی با نیروهای درگیر. این برداشت از ماده ۵۲ (۲) با راهنمای تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ درباره «مشارکت مستقیم در مخاصمات» همخوانی دارد. صلیب سرخ در این راهنما، مفهوم «مشارکت مستقیم در مخاصمات» را محوری دانسته و معیارهایی برای تفکیک میان نقش مستقیم در عملیات نظامی و آثار غیرمستقیم یا تبعی ارائه کرده است.

نمونه‌های عملی و رویه‌های قضایی نیز این رویکرد را تأیید می‌کنند. در جریان بمباران مقر رادیو و تلویزیون صربستان (آر تی اس) در سال ۱۹۹۹، هیئت بررسی گزارش ناتو اذعان داشت که اگر یک رسانه صرفاً «جزئی از ماشین تبلیغاتی» تلقی شود، مبنای حقوقی حمله «قابل مناقشه‌تر» خواهد بود. به بیان دیگر، انتساب یک رسانه به تبلیغات حکومتی، به‌خودی‌خود مشروعیت حمله نظامی را تثبیت نمی‌کند؛ بلکه لازم است نقش فنی و عملی آن در پشتیبانی از عملیات نظامی به‌طور مشخص اثبات شود. از سوی دیگر، حقوق کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که در شرایط استثنایی، یک رسانه ممکن است نه به‌عنوان «هدف نظامی» بلکه به‌عنوان ابزار ارتکاب جرم مورد پیگرد قرار گیرد؛ برای مثال، در قالب «تحریک مستقیم و علنی به ارتکاب نسل‌کشی». در پرونده معروف دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا در قضیه نهمانا و دیگران که به نقش رادیو مربوط می‌شد، دادگاه عناصر «تحریک مستقیم و علنی به ارتکاب نسل‌کشی» را بررسی و بر همان مبنا حکم صادر کرد. این رأی نشان داد که نقش رسانه می‌تواند در زمینه تحریک مستقیم به خشونت، موجب

مسئولیت کیفری اشخاص شود؛ اما این نتیجه عمدتاً از مسیر تعقیب کیفری افراد مسئول حاصل شد نه از طریق توجیه حمله نظامی به زیرساخت رسانه‌ای. نکته تحلیلی اساسی آن است که دو مسیر حقوقی کاملاً متمایز وجود دارد: نخست، مسیر قواعد حاکم بر درگیری‌های مسلحانه (حقوق بین‌الملل بشردوستانه) که تعیین می‌کند چه شیئی می‌تواند هدف حمله قرار گیرد؛ و دوم، مسیر مسئولیت کیفری فردی که مشخص می‌کند چه شخصی به دلیل رفتار مجرمانه قابل محکومیت است. حتی اگر محتوای یک رسانه موجب ارتکاب جنایات شود و مسئولیت کیفری برای اشخاص در پی داشته باشد، این امر به‌طور خودکار آن رسانه را به «هدف نظامی» تبدیل نمی‌کند؛ مگر آن که معیارهای دقیق ماده ۵۲ (۲) احراز شود. حفظ این تمایز برای صیانت از اصل تفکیک و کاهش آسیب به غیرنظامیان اهمیتی بنیادین دارد.

در عمل، برای آن که ادعای «تبلیغات = مشارکت مؤثر نظامی» قابل‌اتکا شود، دستگاه ادعا کننده باید شواهد فنی و زمانی مشخصی ارائه کند. نمونه‌های موردی که در ادبیات پیشنهاد شده‌اند عبارت‌اند از: سند لاگ‌های شبکه‌ای که نشان‌دهنده تبادل اطلاعات بین استودیوی رسانه‌ای و سامانه‌های C3 نظامی است؛ پخش هم‌زمان دستورالعمل‌های تاکتیکی در زمان عملیات؛ یا استفاده مستقیم از فرستنده‌های رسانه برای ارسال مختصات یا رمزها. بدون چنین شواهد عینی، اعمال قاعده تردید به نفع غیرنظامیان باید اجرا شود؛ برخی از حقوقدانان برجسته حقوق بین‌الملل بشردوستانه تصریح کرده‌اند که صرف «اثر روانی» یک پیام رسانه‌ای که ماهیتی غیرمستقیم و غیرعملیاتی دارد، به‌طور معمول برای احراز شرط «مزیت نظامی قطعی» کفایت نمی‌کند؛ زیرا این مزیت باید عینی، ملموس و مرتبط با وضعیت نظامی در زمان حمله باشد (Dinstein, 2016; )

(Sassòli, 2019; ICRC, 2016). از منظر سیاست‌گذاری و پاسخ‌گویی عملی، نتیجه‌گیری‌ای که از ادبیات و رویه‌ها به دست می‌آید این است که حتی با در نظر گرفتن پیچیدگی‌های «جنگ اطلاعاتی»، اقدامات نظامی علیه رسانه‌ها باید بسیار محدود و مبتنی بر شواهد فنی روشن باشد؛ در غیر این صورت، خطر تضعیف گسترده اصل تفکیک و تهدید حق دسترسی عمومی به اطلاعات وجود دارد. دستورالعمل‌های پیشنهادی در ادبیات شامل الزام به تحقیقات فنی مستقل پیش از اعلام مشروعیت هدف‌گیری و انتشار خلاصه‌های فنی قابل راستی‌آزمایی پس از عملیات تحت نظارت ثالث است تا از سوءاستفاده سیاسی جلوگیری شود. این رویکرد، هم با روح محافظه‌کارانه حقوق بشردوستانه و هم با نیازهای پاسخ‌گویی حقوقی و سیاسی همساز است.

## 7-2. مکانیسم‌های پاسخ‌گویی، تحقیق مستقل و جبران - رویه عملیاتی پیشنهادی

پس از وقوع حملاتی که زیرساخت‌های رسانه‌ای را هدف قرار می‌دهند، در صورت فقدان سازوکارهای پاسخ‌گویی و تحقیقات مستقل، ادعاهای مطرح شده غالباً در سطح مواضع سیاسی باقی می‌مانند و به فرایندهای حقوقی مؤثر منتهی نمی‌شوند؛ در نتیجه، حمایت از حقوق غیرنظامیان و آزادی بیان به‌طور عملی تضمین نمی‌شود. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود یک رویه عملیاتی سه مرحله‌ای برای تضمین پاسخ‌گویی از جمله: (الف) تثبیت فوری واقعیت‌ها و صیانت از ادله، (ب) انجام تحقیق فنی و مستقل و (ج) پیش‌بینی سازوکارهای جبرانی همراه با گزارش دهی عمومی و شفاف طراحی شود. در مرحله نخست، مقصود از «تثبیت فوری واقعیت‌ها» ثبت بی‌درنگ داده‌ها و اطلاعات خام مرتبط با حادثه است تا از تغییر، نابودی یا دستکاری آن‌ها جلوگیری شود. این امر مستلزم جمع‌آوری و حفظ بسته فنی اولیه شامل لاگ‌های

سیستمی، داده‌های ماهواره‌ای، گزارش‌های فنی فرستنده‌ها و شهادت کارکنان مرتبط است. این ادله باید با رعایت اصل «زنجیره حفاظت از ادله»<sup>1</sup> به معنای ثبت مستمر نحوه جمع‌آوری، انتقال، نگهداری و دسترسی به شواهد - محفوظ شود تا اعتبار آن‌ها در تحقیقات بعدی تضمین شود. این فرایند می‌تواند تحت نظارت نهادهای بی‌طرف بین‌المللی یا مرجع ثالث مورد توافق طرف‌ها انجام شود؛ از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، دفتر گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد یا یک هیئت کارشناسی فنی مستقل. حضور چنین نهادهایی می‌تواند به افزایش اعتمادپذیری نتایج تحقیق و جلوگیری از سیاسی شدن فرایند پاسخگویی کمک کند. مرحله دوم شامل تشکیل یک کمیته فنی - حقوقی مستقل است که گزارش خلاصه فنی (با بخش فنی ضمیمه شده) تهیه کند؛ گزارش باید نتیجه‌گیری درباره احراز یا عدم احراز «مشارکت مؤثر» و رعایت یا نقض اصول احتیاط و تناسب را صراحتاً بیان کند. معیارهای انتشار اطلاعات باید تعادلی میان شفافیت و ملاحظات امنیتی رعایت کند (افشای خلاصه‌های فنی قابل‌فهم برای عموم). در مرحله سوم، در صورت احراز تخلف باید مکانیسم‌های جبرانی از جمله عذرخواهی رسمی، پرداخت غرامت به قربانیان و تعهد به اصلاح رویه‌ها پیش‌بینی شود. همچنین، مکانیسم‌های اصلاحی برای جلوگیری از تکرار تخلفات باید برقرار شود. علاوه بر این، توصیه می‌شود دستورالعمل‌های عملیاتی بین‌المللی در زمینه هدفگیری رسانه‌ها تدوین شود و الزام ارائه حداقل مدارک فنی پیش از تهرئه اقدامات نظامی لحاظ شود. چنین سازوکاری نه‌تنها پاسخگویی را تقویت می‌کند، بلکه از سوءاستفاده سیاسی برای مشروع جلوه دادن حملات نظامی جلوگیری می‌کند.

1 .Chain of Custody

### 7-3. تجارب قضایی و موردی بین‌المللی

به‌عنوان نمونه تاریخی، بمباران مرکز پخش رادیو و تلویزیون صربستان (۱۹۹۹) توسط ناتو مورد توجه قرار می‌گیرد؛ هیئت بررسی این واقعه اشاره کرده است که اگر هدف ضعیف سازی سیستم فرماندهی بوده، آن حمله موجه بوده اما صرف نقش رسانه‌ای آن را توجیه نمی‌کند (ICTY, n.d.). همچنین به پرونده بانکوویچ (دادگاه حقوق بشر اروپا) اشاره می‌شود که نشان می‌دهد انگیزه‌های سیاسی صرف در تبرئه حمله ناکافی بود (European Court of Human Rights, 2001). به‌علاوه، تجربه‌های اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ برای مثال، در نبرد غزه گزارش شده است که حمله به برج «ال-جالاعه» (محل استقرار چند شبکه تلویزیونی و بین‌المللی) پرسش‌هایی را از حیث تناسب ایجاد کرده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که خبرنگاران حاضر در این برج شرکت مستقیم نظامی نداشته‌اند و در نتیجه تخریب تأسیسات غیرنظامی آن نیازمند ارزیابی دقیق تحت اصل تناسب بوده است (Lieber, 2021). همچنین، می‌توان به مثال‌هایی مانند انهدام دکلهای تلویزیونی در اوکراین اشاره کرد که سازمان‌های جهانی از آن ابراز نگرانی کرده‌اند. این مطالعه موردی‌ها و رویه‌های قضایی نشان می‌دهد که مراجع بین‌المللی در عمل تا چه حد حمله به رسانه‌ها را غیرقانونی تلقی کرده‌اند و چگونه استدلال‌های حقوقی، عملیاتی شدن رسانه را در تحلیل‌های میدانی نادیده گرفته یا در نظر گرفته‌اند.

### 7-4. تعهدات حقوق بشر و آزادی بیان در منازعات

حمایت از رسانه‌ها در مخاصمات مسلحانه، صرفاً محدود به حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیست، بلکه در تعامل تنگاتنگ با تعهدات حقوق بشر بین‌الملل

قرار دارد. حتی در زمان جنگ، دولت‌ها از الزامات بنیادین خود در قبال آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات معاف نمی‌شوند. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق آزادی بیان، دریافت و انتقال اطلاعات را به رسمیت شناخته است. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در تفسیر عمومی شماره ۳۴ تصریح کرده است که این حق، حتی در شرایط اضطراری و مخاصمه مسلحانه، ماهیتی بنیادین دارد و هرگونه محدودیت آن باید استثنایی، ضروری و متناسب باشد.<sup>1</sup> هدفگیری رسانه‌ها و خبرنگاران، نه‌تنها می‌تواند ناقض اصل تفکیک در حقوق بشردوستانه باشد بلکه به‌طور هم‌زمان نقض جدی تعهدات حقوق بشری دولت‌ها محسوب می‌شود. از این منظر، حمله به رسانه‌ها تأثیری فراتر از خسارت فیزیکی دارد و می‌تواند به محروم‌سازی جمعیت غیرنظامی از حق دسترسی به اطلاعات مستقل منجر شود. نهادهایی مانند یونسکو و گزارشگران ویژه سازمان ملل بارها تأکید کرده‌اند که مصونیت رسانه‌ها نقش اساسی در حفاظت از حقیقت، پاسخگویی و پیشگیری از نقض‌های گسترده‌تر حقوق بشر دارد. به همین دلیل، هرگونه حمله به رسانه‌ها باید تحت آزمون‌های دوگانه حقوق بشردوستانه و حقوق بشر ارزیابی شود. در مورد حمله به صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نیز حتی اگر ادعای نقش تبلیغاتی مطرح شود، چنین ادعایی نمی‌تواند به تنهایی توجیه‌کننده نقض آزادی بیان و حق اطلاع‌رسانی عمومی باشد. از این منظر، تحلیل حقوقی حمله باید فراتر از ملاحظات نظامی صرف، پیامدهای حقوق بشری آن را نیز در نظر گیرد.

### فرجام سخن

1. (International Covenant on Civil and Political Rights, 1966, art. 19)

تحلیل انجام شده در این مقاله نشان می‌دهد که اطلاق عنوان «هدف نظامی» به رسانه‌های جمعی دولتی، تنها در شرایط استثنایی و با تفسیر مضیق معیارهای مندرج در ماده ۵۲ (۲) پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ امکان‌پذیر است. صرف دولتی بودن یک رسانه، یا ایفای نقش تبلیغاتی، سیاسی یا روانی در بستر مخاصمه مسلحانه، به تنهایی برای سلب حمایت غیرنظامی از آن کفایت نمی‌کند (دینشتاین، ۲۰۱۶). مطالعه موردی حمله گزارش شده به ساختمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نشان داد که بر اساس شواهد علنی در دسترس تا زمان نگارش این مقاله، مشارکت مؤثر این نهاد در عملیات نظامی و نیز وجود مزیت نظامی معین و ملموس ناشی از حمله، به‌طور حقوقی قابل احراز نیست. در چنین وضعیتی، اعمال اصل تردید به نفع غیرنظامی بودن هدف، مطابق با منطق حمایتی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، هرگونه ارزیابی حقوقی مشروعیت هدف‌گیری رسانه‌های جمعی باید مبتنی بر شواهد عینی، مشخص و قابل راستی آزمایی بوده و از تعمیم نا به جای مفهوم هدف نظامی به نهادهای رسانه‌ای پرهیز کند. این نتیجه‌گیری نه ناظر بر داوری سیاسی، بلکه مبتنی بر قواعد تثبیت شده تفکیک، احتیاط و تناسب در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. فارغ از نتیجه‌گیری حقوقی فوق، بررسی حاضر نشان می‌دهد که خلأهای عملی در تبیین معیارهای شواهدی مرتبط با هدف‌گیری رسانه‌های جمعی می‌تواند زمینه‌ساز تفاسیر موسع و بالقوه خطرناک از مفهوم هدف نظامی شود. از این منظر، پیشنهاد می‌شود نهادهای ذی‌ربط بین‌المللی، به‌ویژه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نسبت به تدوین یک راهنمای تفسیری - شواهدی اختصاصی در خصوص رسانه‌ها در مخاصمات مسلحانه اقدام کنند. چنین راهنمایی می‌تواند شامل معیارهای حداقلی

برای احراز مشارکت مؤثر، الزامات مربوط به پیوند زمانی و عملکردی و شاخص‌های فنی قابل ارزیابی عمومی باشد. افزون بر این، تقویت شفافیت پس از حمله از طریق انتشار گزارش‌های فنی خلاصه شده در حدی که با ملاحظات امنیتی سازگار باشد می‌تواند به ارتقای پاسخگویی و کاهش تردیدهای حقوقی در ارزیابی مشروعیت حملات کمک کند. این پیشنهادها ماهیتی سیاستی و پیشگیرانه دارند و هدف آن‌ها نه بازتعریف قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، بلکه تسهیل اجرای دقیق‌تر و محدودکننده‌تر این قواعد در مواجهه با تحولات نوین حوزه اطلاعات و رسانه است.

### منابع

- احمدی، زهرا؛ دهشیری، محمدرضا (1404). تحلیل سازه‌انگارانه تقابل جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در جنگ 2025م، *مطالعات کشورها*، 4(3)، 563-597.
- اصغری، زینب (1402). تحریم خبرنگاران رسانه ملی از منظر حقوق بین‌الملل، *مجله حقوقی بین‌المللی*، 40(71)، 37-72.
- اسماعیلی، مرتضی (1403). مناسبات قدرت و دکترین مسئولیت حمایت؛ مطالعه موردی مخاصمه 2023 حماس - اسرائیل، *مطالعات حقوقی*، 16(1)، 43-74.
- اشمیت، مایکل ن. (1401). راهنمای تالین: «حقوق بین‌الملل قابل اعمال در نبردهای سایبری»، ترجمه محمدجواد عربیان، تهران: سبک‌نو.
- بقلربیگی، کیان؛ صلح‌چی، سارا؛ عزیزی، ستار (1404). حقوق خبرنگاران در زمان مخاصمات مسلحانه، *فصلنامه علوم خبری*، 14(2)، 1-27.
- حاجی اسماعیلی، میلاد (1403). شناسایی جنایات جنگی اسرائیل در جنگ 2023 اسرائیل-حماس تحت چارچوب

- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، *مطالعات حقوقی*، 16 (1)، 319-354.
- سودمندی، عبدالمجید (1395). اجزاء حق آزادی بیان در نظام بین‌المللی حقوق بشر، *مطالعات حقوقی*، 8 (2)، 87-114.
- طیب‌زاده، پ. زین‌الدینی، م. (1402). بررسی اصول بنیادین حقوق بشردوستانه در حملات 2023 اسرائیل به نوار غزه، *مجله پژوهش‌های بنیادین در حقوق*.
- غلامی، محسن؛ حکاک زاده، محمدرضا (1401). تبلیغات خصمانه در نظام آزادی رسانه‌ها در چارچوب حقوق بین‌الملل، *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، 7 (1)، 157-184.
- قلندری شماری، طاهر؛ سبحانی، مهین (1404). سپر انسانی و چالش‌های پیش روی آن با نگاهی به اصل تناسب در حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تأکید بر حمله سال 2023-2024 اسرائیل به غزه، *مجله حقوقی بین‌المللی*، 42 (78)، 35-54.
- میرباقری، سید محسن (1404). تحلیل استراتژیک جنگ 12 روزه ایران و اسرائیل با رویکرد SWOT، *طب نظامی*، 27 (ویژه‌نامه 1)، 58-67.
- نصیری فرد، داوود (1401). «جنگ سایبری در حقوق بین‌الملل»، تهران: سنجش و دانش.
- نوری و.ا. زمانی، س.ق. راعی، م. عبداللهی، م. (1395). اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه در پرتو اسناد و رویه محاکم کیفری بین‌المللی، *آموزه‌های حقوق کیفری*، 12، 91-116.

## References

- Ahmadi, Z., & Dehshiri, M. R. (2025). A constructivist analysis of the confrontation between the Islamic Republic of Iran and the Zionist regime in the 2025 war. *Country Studies Quarterly*, 4(3), 563-597. [In Persian]
- Al Jazeera. (2025). Israel bombs Iran's state TV after threatening it would eliminate its propaganda. Viewed February 12, 2026, from <https://www.aljazeera.com/>
- Asghari, Z. (2023). Sanctioning national media journalists from the perspective of international law. *Iranian Journal of International Law*, 40(71), 37-72. [In Persian]

- Associated Press. (2025). The latest: Israel threatens Iran's supreme leader as Iranian strikes wound over 200. Viewed February 23, 2026, from <https://apnews.com/>
- Bagherbeigi, K., Solhchi, S., & Azizi, S. (2025). Journalists' rights during armed conflicts. *Journalism Studies Quarterly*, 14(2), 1–27. [In Persian]
- Boothby, W. H. (2012). *The law of targeting*. Oxford: Oxford University Press.
- Committee Established by the Prosecutor to Review the NATO Bombing Campaign Against the Federal Republic of Yugoslavia. (2000). Final report to the prosecutor. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia. Viewed February 23, 2026, from <https://www.icty.org/en/press/final-report-prosecutor-committee-established-review-nato-bombing-campaign-against-federal>
- Committee to Protect Journalists. (2025). Journalist and media worker killed in strike on Iran state TV. Viewed January 16, 2026, from <https://cpj.org/>
- Dinstein, Y. (2016). *The conduct of hostilities under the law of international armed conflict* (3rd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Esmaeili, M. (2024). Power relations and the doctrine of Responsibility to Protect: A case study of the 2023 Hamas–Israel conflict. *Legal Studies*, 16(1), 43–74. [In Persian]
- European Court of Human Rights. (2001). Banković and Others v. Belgium and Others, Application No. 52207/99. Viewed February 2, 2026, from <https://hudoc.echr.coe.int/>
- Gholami, M., & Hakkakzadeh, M. R. (2022). Hostile propaganda within the system of media freedom under international law. *International Media Law Review*, 7(1), 157–184. [In Persian]
- Haji Esmaeili, M. (2024). Identification of Israeli war crimes in the 2023 Israel–Hamas war under the framework of the Rome Statute of the International Criminal Court. *Legal Studies*, 16(1), 319–354. [In Persian]
- International Committee of the Red Cross. (2016a). Commentary on the First Additional Protocol to the Geneva Conventions of 12 August 1949. Geneva: ICRC.
- International Committee of the Red Cross. (2016b). Interpretive guidance on the notion of direct participation in hostilities: Precautions and presumptions in situations of doubt. Viewed February 23, 2026, from <https://casebook.icrc.org/print/pdf/node/20877>
- Mirbagheri, S. M. (2025). Strategic analysis of the 12-day Iran–Israel war using the SWOT approach. *Military Medicine Journal*, 27(Special Issue 1), 58–67. [In Persian]
- Nasiri Fard, D. (2022). *Cyber warfare in international law*. Tehran: Sanjesh va Danesh Publications. [In Persian]

- Nouri, V. A., Zamani, S. Q., Raei, M., & Abdollahi, M. (2016). The principle of proportionality in armed conflicts in light of international documents and the jurisprudence of international criminal tribunals. *Criminal Law Doctrines*, 12, 91–116. [In Persian]
- Qalandari Shamami, T., & Sobhanian, M. (2025). Human shields and the challenges ahead: A study of the principle of proportionality in international humanitarian law with emphasis on the 2023–2024 Israeli attacks on Gaza. *Iranian Journal of International Law*, 42(78), 35–54. [In Persian]
- Sassòli, M. (2019). *International humanitarian law: Rules, controversies, and solutions*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Schmitt, M. N. (2013). *Tallinn manual on the international law applicable to cyber warfare*. Cambridge: Cambridge University Press. [In Persian]
- Schmitt, M. N. (2022). *Tallinn Manual on the international law applicable to cyber warfare* (M. J. Arabiyan, Trans.). Tehran: Sabk-e No Publications. (Original work published 2013).
- Soudmandi, A. (2016). Components of the right to freedom of expression in the international human rights system. *Legal Studies*, 8(2), 87–114. [In Persian]
- Tabibzadeh, P., & Zineddini, M. (2023). Examination of the fundamental principles of international humanitarian law in the 2023 Israeli attacks on the Gaza Strip. *Journal of Fundamental Research in Law*. [In Persian]
- United Nations Human Rights Committee. (2011). General Comment No. 34: Article 19, Freedoms of opinion and expression (CCPR/C/GC/34). Viewed January 3, 2026, from <https://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/CCPR/GC34.pdf>
- United Nations Security Council. (2006). Resolution 1738 (2006) on the protection of journalists in armed conflict. New York: United Nations.
- United Nations Security Council. (2015). Resolution 2222 (2015) on the protection of journalists and associated personnel in armed conflict. New York: United Nations.

